خراسان بزرگ:سال دوم،شماره(۴)، پائیز ۱۳۹۰
Quarterly bulletin of Greater Khorasan:Vol.2, No. 4, Autumn 2010

# جایگاه حـــریم خصــوصی و حفظ کــرامت انســانی در تعــالیم اسلامی و سیـــره رضــوی و نقش مخرب اینتـــرنت بر این ارزشهــا

علی واعــظ طبسی[۱]، حسین احمری [۲]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۵/۸
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۷/۴

## چکیـده

خاستگاه کرامت انسانی و حریم خصوصی به عنوان حـق ذاتـی اشـخاص و یکـی از اساسـی‌تـرین مصادیق حقوق بشر در عصر جدید، برگرفته از اهتمام به شأن و منزلت انسانی و ارزش‌هـای مبتنـی بـر انواع آزادی‌ها است. حریم خصوصی، از جمله حقوقی است که انسان‌ها به دلیل نیازهای شخصی از یـک طرف به آن وابسته و از طرف دیگر به دلیل ضرورت زندگی جمعی ، مکلفانـد ایـن حـق را نسـبت بـه دیگران به رسمیت بشناسند. در تعالیم روح بخش اسلامی نیز این اصل بعنوان یکی از مهم ترین و اصلی ترین اصول پایه ای فقهی همواره مد نظر بوده است و در سیره پیامبر اسلام و معصومین بصورت عملی شاهد این مساله بوده ایم و هر یک از این بزرگواران به فراخور شرایط خاص زمانی به ترویج این مسـاله پرداخته اند که ما با توجه به موضوع این تحقیق جایگاه این اصول را در سیره حضرت علی ابـن موسـی الرضا علیه السلام مورد توجه قرار داده ایم، از سوی دیگر نگارنده می‌کوشد تا به موضـوع نقـض حـریم خصوصی افراد و هتک حیثیت آن‌ها در اینترنت بپردازد؛ چه اینکه امروزه بـا گسـترش ابزارهـای اطـلاع رسانی و اینترنت، این حق به یکی از چالش انگیزترین مسائل حقوق بشر تبدیل شده است. ناشناس بودن کاربران و سهولت استفاده از آن، زمینه ی تعرض به حریم خصوصی افراد و هتک حرمت آنان را فـراهم نموده و صاحب نظران و دولتمردان را در حمایت از حریم خصوصی افراد با مشکل روبه‌رو ساخته اسـت. در ادامه، علاوه بر ارائه ی راهکار، به ذکر مصادیق هتک حرمت و اهتمام به آن در اسلام و سیره رضوی و قوانین مجازاتهای اسلامی، برای چنین جرایمی خواهیم پرداخت.

**کلیـد واژه‌ها:**

حریم خصوصی، هتک حرمت، سیره رضوی، اینترنت.

---

[۱] دانشجوی مقطع دکترای رشته ی فقه و مبانی حقوق اسلامی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.
[۲] استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.

**مقدمه**

انسان، در بـین همـه‌ی موجـودات از برتـری فـوق‌العـاده‌ای برخـوردار اسـت؛ زیـرا خداونـد حکـیم در آیـه ی ۶۴ از سـوره‌ی غـافر فرمـوده: او را در «بهتـرین صـورت خلـق کـرد» و در آیه‌ی ۷۰ از سوره ی اسراء مـی‌فرمایـد: (وَلَقَـدْ کَرَّمْنَـا بَنِـی آدَمَ) و بـه تحقیـق، انسـان را کـریم داشتیم. از ایـن رو دسـتور داد ملائکـه او را سـجده کننـد؛ عملـی کـه ویـژه‌ی حضـرت ربـوبی است و نیز او را، خلیفه ی خود در زمین قـرار داد. بـدین‌سـان آشـکار مـی‌شـود هـر انسـانی تـا چه اندازه شریف و بزرگ است؛ پس بایـد قـدر خـود را بدانـد و عـزت و عظمـت خـود را حفـظ کند، تا رضـایت خداونـد کـه بـالاترین پـاداش بـرای انسـان اسـت؛ حاصـل شـود و از زنـدگی ابدی و بی‌نهایت در جوار حضرت حق و در بهشت جاودان بهره‌مند گردد.

قاطبه‌ی مردم ایران بـا تعـالیم دیـن مقـدس اسـلام آشـنایی دارنـد (حتـی هموطنـان غیـر مسلمان) و به دستورات خداوند متعـال نیـز آگاهنـد؛ همـان پروردگـاری کـه بـه‌طـور صـریح در قرآن به حفظ آبروی افراد تاکیـد دارد؛ چنـان‌کـه پیـامبر رحمـت و ائمـه‌ی هـدی(ع) سـفارش-های اکیدی در این باره داشته‌اند. شـارع مقـدس، در سـوره‌هـا و طـی آیـات مختلفـی بـر عـدم ورود به حریم خصوصی افراد تأکید کرده و حتـی افـراد را از ظـن و گمـان بـد بـر حـذر داشـته است، چه رسد بـه عمـل بـد (حجـرات/۱۲)، همچنـین براسـاس آمـوزه‌هـای دینـی، قداسـت و حرمت افراد به گونه‌ای است کـه آبـروی یـک مسـلمان در حکـم آبـروی خانـه‌ی خـدا، یعنـی همان کعبه ی مقدس دانسـته شـده اسـت ، تـا مـردم از هـر گونـه عمـل غیـر انسـانی و غیـر اخلاقـی کـه بـه ریخـتن آبـروی افـراد و هتـک حرمـت آنـان بینجامـد؛ پرهیـز نماینـد و بـه اهمیت موضوع پـی ببرنـد و ایـن امـر را مـی‌تـوان مصـداق **سـتار العیـوب** بـودن پروردگـار عالم دانست.

در واقع، گسترش وسایل ارتبـاط جمعـی و ابزارهـای اطـلاع‌رسـانی کـه بـه نظـر مـی‌رسـد در سال‌های اخیـر بـه اوج شـکوفایی خـود رسـیده؛ تحـولاتی بـس عظـیم را در روابـط انسـان هـا بـا یکـدیگر، موجـب شـده و تسـهیل زنـدگی و رشـد آن را در پـی داشـته اسـت. جامعـه شناسـان، دانشـمندان علـوم سیاسـی و بـالاخص صـاحب‌نظـران علـوم ارتباطـات ،ایـن تحـول عظـیم را در زنـدگی بشـر، دارای اهمیتـی بسـیار والا مـی‌داننـد، از ایـن‌رو دوره‌ی اخیـر ، بـه عنـوان دوره یـا **عصـر ارتباطـات** نامیـده شـده و عـده‌ای اطلاعـات و روزآمـد بـودن آن را ابزار اصلی قدرت در جهان مـی‌پندارنـد. بـی‌گمـان، ایـن تحـولات در امـر اطلاعـات، تحـولات

در دیگر امور زندگی را نیز در پـی داشـته و آثـار مثبـت فراوانـی را بـه همـراه آورده اسـت، امـا آیا همۀی آن تحولات جدید ابعاد و آثار مثبت دارند؟

به نظـر مـی‌رسـد چنانچـه منصـفانه بـه موضـوع بنگـریم ؛ پاسخ منفـی خواهـد بـود. بـه عبارت دیگر بایـد گفـت : کـه در کنـار محاسـن ناشـی از تحـول مقولـۀی اطلاعـات و اطـلاع رسانی و دگرگونی چشمگیر در عرصـۀی ارتباطـات، معایـب چنـدی نیـز نهفتـه اسـت کـه مـی تواند در صـورت نادیـده گرفتـه شـدن، زیـان‌هـای جبـران ناپـذیری را بـر جامعـۀ بشـری وارد آورد. تخلفـات و جـرایم رایانـه‌ای، از جملـۀ ایـن نقـاط منفـی ابزارهـای نـوین اطـلاع‌رسـانی اسـت کـه بـه‌رغـم وضـع مقـررات و قـوانین متعـدد، بـرای جلـوگیری از وقـوع آن‌هـا در کشورهای مختلف هنـوز موفقیـت چنـدانی حاصـل نشـده اسـت؛ در ایـن میـان، نقـض حقـوق بشر از طریق اینترنت ، شـاید موضـوعی باشـد کـه کمتـر مـورد توجـه قـرار گرفتـه اسـت . در کنار گسترش و تعمیـق برخـی از مقـولات حقـوق بشـر ماننـد : آزادی بیـان، یـا آزادی اطـلاع رسانی، ابعاد دیگـری از آن ماننـد حـق حـریم خصوصـی در معـرض تجـاوز قـرار گرفتـه، بـیم آن مـی‌رود کـه در صـورت عـدم اتخـاذ راهکارهـای مناسـب ملـی و بـین‌المللـی، مسـائل خصوصی افراد ، در دسترسـی نامحرمـان قـرار گیـرد و در نتیجـه زنـدگی خصوصـی انسـان‌هـا را دستخوش مشکلات و دگرگونی‌های ناخوشایند نماید.

به نظر می‌رسـد امـروزه هـیچ حـق اساسـی دیگـری در جامعـه‌ی اطلاعـاتی ، بـه‌انـدازه ی حق حریم خصوصی و هتک حرمـت افـراد، چنـین بحـث‌انگیـز نبـوده اسـت؛ چـون جامعـه ی بـین‌المللـی در بسـیاری از مـوارد نقـض حقـوق بشـر مثـل: شـکنجه، تبعـیض و تنفـر نـژادی توانسته به اتفـاق نظـر برسـد؛ امـا دفـاع از حـریم خصوصـی، بـه رغـم وجـود حساسـیت‌هـا و توجه‌ها و هتک حریم‌های فاحش، هنوز پراکنده و بی‌رمق است.

این مقاله سعی دارد تا ابعاد کلی نقـض حـریم خصوصـی را کـه بـه عنـوان یکـی از مقولـه های حقوق بشر، و نیـز مصـادیق هتـک حرمـت انسـان را، کـه از طریـق شـبکه‌هـای جهـانی اطلاع‌رسانی دامنگیر افـراد شـده اسـت ؛ بررسـی کنـد و عـلاوه بـر ارائـه ی مبـاحثی پیرامـون مصادیق هتک حرمت انسـان و نیـز حمایـت از حـق حـریم خصوصـی، بـه نتیجـه ی مطلـوبی در زمینه ی کرامت انسانی و احترام به حریم خصوصی اشخاص برسد.

## بخش اول: نقض حریم خصوصی و اینترنت

شـبکه‌ی جهـانی رایانـه‌ای یـا اینترنـت ، ضـمن آنکـه بـاب جدیـدی را در زنـدگی بشـر گشوده و موجب بروز تحول عظیمـی در برقـراری ارتبـاط بـین انسـان‌هـا هـم در بُعـد کمـی و هـم در بُعـد کیفـی گردیـده؛ امـا در بسـیاری مـوارد نیـز زمینـه ی نقـض حقـوق افـراد را در گستره‌ای وسیع فراهم آورده است.

اگرچه برخی از کشـورها بـا وضـع قـوانین و مقـررات مربـوط بـه حمایـت از داده‌هـا ، گـام های مثبتـی را در بـرای حفـظ آبـرو و حـریم خصوصـی اشـخاص برداشـته‌انـد؛ امـا ایـن‌گونـه اقدامات نمی‌تواند در حفظ حرمـت انسـان‌هـا بـه حـد کـافی مـؤثر واقـع شـود، زیـرا گسـترۀی این قبیل قـوانین ، شـامل تمـام موضـوعات نمـی‌شـود و دیگـر اینکـه وجـود نظریـۀی حـریم خصوصی انسان‌هـا ، بـه عنـوان یـک قاعـدۀی آمـره در حقـوق بـین‌الملـل یـا حقـوق داخلـی کشورها، هنوز جایگاه اصلی خود را پیـدا نکـرده اسـت؛ قاعـده‌ای کـه بـه موجـب آن مـی‌تـوان دامنۀی شمول و لزوم رعایت حق حریم خصوصی را فراگیر و همگانی پنداشت.

به نظر نگارنده، گرچـه کشـورهای مختلـف راه حـل‌هـایی پراکنـده در ایـن خصـوص ارائـه کرده‌اند؛ امـا ایـن راه‌حـل‌هـا ناکارآمـدی خـود را بـه اثبـات رسـانده‌انـد زیـرا، تـاکنون مفهـوم واحدی از حق حریم خصوصـی و نقـض آن در بـین کشـورهای جهـان ، بـه‌دسـت نیامـده کـه این امر خود موجب عدم اتخـاذ اقـدامات بایسـتۀی قـانونی مـی‌شـود و دیگـر اینکـه بـه دلیـل وسعت قلمرو شبکه‌های اطـلاع‌رسـانی، امکـان جلـوگیری از نقـض ایـن حقـوق، بـدون وجـود یک راهکار بین‌المللی و همه جانبه وجود نـدارد، بـه عبـارت دیگـر ، تـا زمـانی کـه کشـورهای مختلـف بـر مفهـوم واحـدی از حـریم خصوصـی و نقـض آن بـه نقطـۀی اشـتراک نرسـند و متعاقب آن تا هنگامی که بر ایـن مبنـا بـه اتخـاذ تصـمیمات مشـترکی دسـت نیازنـد؛ حصـول یک راه حل عملی ناممکن خواهد بود.

## حریم خصوصی و تعاریف آن

حریم خصوصی بـا آنکـه یکـی از ملمـوس‌تـرین و پرکـاربردترین حقـوق بـرای هـر فـردی شناخته شده؛ولی صاحب نظـران برجسـته ی دنیـا نتوانسـته‌انـد بـر سـر یـک تعریـف از آن بـه توافق برسند. در دههی ۱۹۹۰ م، یکـی از قضـات دادگـاه عـالی ایـالات متحـده ی امریکـا بـه نـام«لـوییس برانـدایس» ، در مقالـه‌ای بـا عنـوان «حـق مصـونیت حـریم خصوصـی» بـرای

اولین بار، این مسئله را مطـرح و آن را حـق افـراد بـرای تنهـا بـودن تعریـف کـرد. (بروجـردی «حریم خصوصی در جامعه‌ی اطلاعاتی» (۱و۲): ۸۳/۱۰/۲۹: www.bashgah.net).

عـده‌ای ایـن مفهـوم را بـا حـق افـراد در بهـره‌بـردن از اسـتقلال، تنهـایی و تعیـین اینکـه چگونه اطلاعات مربوط بـه خـود را بـرای دیگـران آشـکار کننـد؛ پیونـد مـی‌دهنـد. «وسـتین» تعریف مفیـدی بـرای حـریم خصوصـی عرضـه مـی‌کنـد: «حـریم خصوصـی عبـارت اسـت از حق افراد، گروه‌ها و مؤسسات برای تعیـین ایـن موضـوع بـرای خـود کـه چـه وقـت و تـا چـه حـد، اطلاعـات مربـوط بـه آن‌هـا بـه دیگـران منتقـل شـود». (لوراسـتین و نیکیـل سـینا، رسانه‌های نوین جهانی و سیاستگذاری ارتباطات «نقش دولت در قرن ۲۱» ص۱۳۰).

عده‌ای این حق را حق نظارت بـر افشـای اطلاعـات شخصـی مـی‌داننـد و برخـی دیگـر از صاحب نظران، از آن به عنـوان حـق پنهـان کـردن حقـایق زنـدگی از دیگـران یـاد کـرده‌انـد. (کدخدایی در «شـبکه‌هـای اطلاعـاتی جهـانی و نقـض حقـوق بشـر بـا تاکیـد بـر حـق حـریم خصوصی» سایت ایـران و جامعـه‌ی اطلاعـاتی). امـا کمیتـه‌ای بـه نـام کالکـات در انگلسـتان، تعریف زیر را به عنوان تعریف قـانونی مـی‌پـذیرد: «حـق افـراد بـرای حمایـت شـدن در مقابـل وارد شدن بدون اجازه به امـور زنـدگی افـراد و خـانواده‌هایشـان بـا ابـزار مسـتقیم فیزیکـی یـا به وسیله ی نشر اطلاعات.» (کدخدایی، همان).

«هلن نیس بام» به جای حریم خصوصـی، حـق خلـوت را بـه کـار بـرده و مـی‌گویـد حـق خلوت آدمیان متضمن یک پناهگـاه امـن یـا منطقـه ی حفاظـت شـده بـرای آدمیـان اسـت ، که مردم در آن مـی‌تواننـد از بازرسـی دقیـق و موشـکافانه و احتمـالاً نکـوهش دربـارهٔی امـور شخصـی خـود رهـا و آزاد باشـند. (نـیس بـام، حمایـت از حـق خلـوت آدمیـان در عصـر اطلاعات، ترجمه ی عباس ایمانی، ص۹۹)

پذیرش حریم خصوصـی بـه عنـوان یـک حـق انسـانی، ریشـه‌ای تـاریخی دارد. در انجیـل و قـوانین یهـود و در چـین باسـتان ، مصـونیت‌هـایی در ایـن زمینـه وجـود داشـته اسـت. (بروجـردی، «حـریم خصوصـی در جامعـه اطلاعـاتی» (۱و۲): ۸۳/۱۰/۲۹: www.bashgah.net) برخـی نویسـندگان سـابقهٔی ایـن حـق را ، بـه دوران روم و یونان باستان نسـبت مـی‌دهنـد و منشـأ آن را، همـان لـزوم رعایـت حـق مالکیـت نسـبت بـه اموال مـادی مـی‌داننـد. (کدخـدایی، شـبکه‌هـای اطلاعـاتی جهـانی و نقـض حقـوق بشـر ، بـا تاکید بر حق حریم خصوصی، سایت ایران و جامعه ی اطلاعاتی).

دربـاره‌ی اهمیـت حـریم خصوصـی: «ادوارد بلوسـتین»، نقـض حـریم خصوصـی را بـه عنوان یک اقدام توهین آمیز نسبت بـه شـرافت بشـری قلمـداد مـی‌کنـد. بـه اعتقـاد او ، ورود به زنـدگی خصوصـی افـراد، شـرافت فـردی، حیثیـت و تمامیـت افـراد را نـابود مـی‌سـازد. بـه گفتـه‌ی بلوسـتین: «انسـانی کـه مجبـور اسـت تمـام دقـایق زنـدگی‌اش را در میـان دیگـران بگذراند و تمامی نیازها، افکـار و تمـایلات یـا خشـنودی او تـابع نظـر مـردم اسـت ؛ محـروم از فردیـت خـویش و تمامیـت و شـرافت بشـری اسـت... چنـین موجـودی گرچـه ذی شـعور و مُـدرک هسـت، ولـی مثـل بـوده و فـرد بـه شـمار نمـی‌رود». (متـین دفتـری، حقـوق بشـر و حمایت بین‌المللی از آن، صص۱۱۳و ۱۱۲)

## حریم خصوصی در اسلام

به جرات می‌توان اعلام کرد کـه قـوانین الهـی، بسـیار بـیش، و پـیش از سـایر نظـام‌هـای حقـوقی بـه حـریم خصوصـی افـراد بهـا داده و بـه آن پرداختـه‌انـد. در حـالی کـه نظـام‌هـای حقوقی بشری، حداکثر از چند سده پـیش بـه ایـن حـق توجـه کـرده‌انـد؛ دیـن اسـلام و آیـات الهی، بیش از ۱۴۰۰ سال است کـه بـرای حـریم خصوصـی و در نتیجـه بـرای شـأن و منزلـت انسـانی، ارزش و جایگـاه بـالا و والایـی قائـل شـده‌انـد، چنـان کـه در سـوره ی نـور، حـریم خصوصی مکـانی، بـه صـراحت مـورد اشـاره قـرار گرفتـه اسـت: «ای اهـل ایمـان، هرگـز بـه خانه‌هایی غیـر از خانـه‌ی خودتـان وارد نشـوید؛ مگـر بـا صـاحبش دوسـت باشـید و تـا اجـازه داده نشده، وارد نشوید، و بر اهل آن سلام گوییـد، ایـن بـرای شـما بهتـر اسـت. باشـد کـه پنـد گیرید. و اگر در خانه کسی نبود، وارد نشوید تـا بـه شـما اجـازه داده شـود، وقتـی بـه شـما مـی گویند برگردید، پس برگردید که ایـن نشـانۀی پـاکی شماسـت و خـدا بـه هـر کـاری کـه مـی کنید، داناست»[۱](نور/۲۷و۲۸).

در سـوره‌ی حجـرات مـی‌خـوانیم: «ای کسـانی کـه ایمـان آورده‌ایـد، از ظـن و گمـان در مورد یکـدیگر بپرهیزیـد کـه بعضـی از ظـن‌هـا و پنـدارها گنـاه اسـت و نیـز ، هرگـز در مـورد افراد تجسـس نکنیـد و غیبـت یکـدیگر را نکنیـد، آیـا کسـی از شـما دوسـت دارد کـه گوشـت

---

۱ (یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُیُوتًا غَیْرَ بُیُوتِکُمْ حَتَّی تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَی أَهْلِهَا ذَلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ * فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِیهَا أَحَدًا فَلا تَدْخُلُوهَا حَتَّی یُؤْذَنَ لَکُمْ وَإِنْ قِیلَ لَکُمُ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْکَی لَکُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِیمٌ)

برادر مرده‌اش را بخورد؟ کـه البتـه از ایـن کـار کراهـت داریـد و نفـرت‌آور اسـت، پـس از خـدا بترسید که او توبه‌پذیر و مهربان است»[۱] (حجرات/۱۱).

بررسـی آیـات فـوق ، نشـان مـی‌دهـد بـه رغـم اینکـه در آن‌هـا بـه کلمـه ی حـریم خصوصـی بـه صـراحت اشـاره نشـده؛ ولـی محتـوای آیـات، حـاکی از توجـه بـه حـق حـریم مکانی، حـق آزادی از مـورد تجسـس واقـع شـدن، حـق مالکیـت و حـق برخـورداری از اصـل برائـت اسـت. در مـورد حـق حـریم خصوصـی و تفـاوت قـوانین الهـی و قـوانین وضـعی در اسلام، پروفسور عماد احمـد، دانشـمند مسـلمان و اسـتاد دانشـگاه‌هـای جـان هـاپکینز و مـری لند معتقد است:

«در حالی که حریم خصوصی در اسـلام یـک حـق مسـلم بـه شـمار مـی‌رود، در آمریکـا و در بسیاری از کشورهای غربی، هنـوز یـک مقولـه ی بحـث‌انگیـز اسـت؛ در اسـلام، قـوانین از طرف خداوند نازل شـده و حـق حـریم خصوصـی یـک حـق مقـدس اسـت کـه نبایـد زیـر پـا گذاشته شود... عـده‌ای از مـردم بـه حقـوق طبیعـی ایمـان دارنـد و حـریم خصوصـی نیـز مـی تواند یکـی از حقـوق طبیعـی باشـد؛ ولـی افـراد زیـادی در غـرب وجـود دارنـد کـه اصـلاً بـه حقوق طبیعی ، باور ندارند و معتقدنـد کـه «حقـوق» همـان‌هـایی هسـتند کـه جوامـع بـر سـر آن توافق کـرده‌انـد. حامیـان دموکراسـی بـر ایـن باورنـد کـه «حـق» ،آن چیـزی اسـت کـه مـردم بـه آن رأی داده‌انـد. یعنـی آن‌هـا فکـر مـی‌کننـد کـه «حقـوق» قـراردادی اسـت؛ امـا طرفداران حق طبیعی بر ایـن باورنـد کـه ضـرورت طبیعـت بشـر، داشـتن ایـن حقـوق اسـت و اگر کسی بخواهد این حقوق طبیعـی را از بـین ببـرد، بشـر نمـی‌توانـد کـارکرد درسـتی داشـته باشد».[۲]

## حریم خصوصی در سیره امام رضا علیه السلام

اخـلاق، یکـی از عناصـر مهـم شخصـیت انسـان اسـت، و کاشـف کیفیـت ذات، و درون اوست. امام رضا علیه‌السلام بـه اخـلاق عـالی و ممتـاز، آراسـته بودنـد، و بـدین سـبب دوسـتی عام و خاص را، به خود جلب کردنـد، همچنـین انسـانیت آن حضـرت، یگانـه و بـی‌ماننـد بـود،

---

[۱] (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيراً مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلا تَجَسَّسُوا وَلا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ)

[2] www.Islam. Online

و در حقیقـت تجلـی روح نبـوت، و مصـداق رسـالتی بـود کـه خـود آن حضـرت، یکـی از نگهبانان و امانت‌داران و وارثـان اسـرار آن بـه شـمار مـی‌رفـت. از ابـراهیم بـن عبـاس صـولی نقل شده، که گفته است:

مـن ابوالحسـن الرضـا علیـه السـلام را هرگـز ندیـدم در سـخن گفـتن، بـا کسـی درشـتی کنند .مـن ابوالحسـن الرضـا علیـه السـلام را هرگـز ندیـدم سـخن کسـی را پـیش از فـراغ از آن، قطـع کنـد. هرگـز درخواسـت کسـی را ،کـه قـادر بـه انجـام دادن آن بـود، رد نفرمودنـد. هرگـز پاهـای خـود را، جلـو همنشـین، دراز نمـی‌کردنـد. هرگـز در برابـر همنشـین تکیـه نمـی‌کردنـد. هرگـز او را ندیدم،کـه غلامـان و بردگـان خـود را بدگوینـد. هرگـز او را ندیـدم، که آب دهـان بیندازنـد. هرگـز او را ندیـدم، کـه قهقهـه بزنـد، بلکـه خنـده‌اش تبسـم بـود. تـا آنجاکه می‌گوید: هر که بگوید در فضلیت، کسی را مانند او دیده، از او باور نکنید.

امام می‌فرمودند: لباس مظهر خارجی انسان اسـت نمـی‌تـوان نسـبت بـه آن بـی‌توجـه بـود حرمت مومن ایجاب می کنـد کـه انسـان در ملاقـات بـا او، شـئون خـود و وی را رعایـت کنـد و مقید باشد که پاکیزه و خوش لباس باشد.

نمونه دیگری از اخلاق امـام رضـا علیـه السـلام ایـن بـود کـه در دوران ولایـت عهـدی و تصدی بالاترین مقام در دولت اسـلامی بـه هـیچ یـک از غلامانشـان دسـتور نمـی دادنـد کـه کارهای ایشان راانجام دهند.

روایت شده که وقتی ایشـان بـه حمـام نیـاز داشـتند از ایـن کـه بـه کسـی دسـتور بدهنـد حمـام را بـرای ایشـان آمـاده کننـد، تنفـر داشـتند و خـود کارهـای شخصـی خـویش را انجـام می‌دادند. همچنین ایشـان جهـت همـدردی بـا مـردم بـه حمـام عمـومی شـهر مـی‌رفتنـد و از نزدیک با مردم معاشرت داشتند.

عبـادت عبـادت، فروتنـی در مقابـل خداونـد اسـت. انسـان کامـل بـه هـر انـدازه بـه خـدا نزدیک‌تر باشد به همـان انـدازه خشـوع و بنـدگی‌اش در مقابـل خـدا بیشـتر مـی‌گـردد، چنـین کسانی هدفشـان در عبـادت فقـط سـپاس نعمـت‌هـای خداونـد و نظرشـان بـه قـرب پیشـگاه ابدیت مـی‌باشـد ایـن بزرگتـرین امتیـازات مـردان الهـی در ارتبـاط بـا خداسـت، محـور اصـلی زندگی آنها خدای تعالی و عشق به خداست، شدت توجـه بـه خـدا موجـب شـده بـود کـه آنهـا لحظه‌ای از حق غافل نشوند، بـه طـوری کـه اگـر گـاهی حالـت غفلـت در خـواب یـا بیـداری به آنها دست می‌داد آن را برای خود گناه به حساب می‌آوردند.

## سخاوت:

از اصول اخلاقی که در زندگی همـه‌ی امامـان فـراوان دیـده شـده اسـت جـود و سـخاوت اسـت. سـخاوت در مقابـل بخـل قـرار دارد، یعنـی انسـان از امکانـات مـادی و معنـوی کـه در اختیـارش وجـود دارد فقـط خـودش اسـتفاده نکنـد بلکـه بـا بخشـش بـه دیگـران قسـمتی از مشـکلات آنهـا را حـل کنـد و دیگـران را از نعمـت‌هـایی کـه خداونـد بـه او داده، چـه نعمـت مادی و چه نعمت‌های معنوی مانند علم برخوردار کند.

شاید بهترین تعریـف دربـاره سـخاوت بیـان امـام رضـا علیـه السـلام باشـد کـه فرمودنـد: «السخی یاکل من طعام الناس لیـاکلوا مـن طعامـه و البخیـل لایاکـل مـن طعـام النـاس لـئلا یاکلوا مـن طعامـه»؛ انسـان سـخاوتمند از غـذای دیگـران مـی‌خـورد تـا از غـذای او بخورنـد، ولی انسان بخیل از غذای دیگران نمی‌خورد تا از غذای او نخورند.

## صبر و مقاومت:

یکی از اصول مشترک در زنـدگانی امامـان کـه همـواره در زنـدگی آنهـا مشـاهده گردیـده صـبر و مقاومـت اسـت. ایـن بزرگـواران الگـوی بـزرگ صـبر و قهرمـان مقاومـت بودنـد. در بررسی زندگی امام رضا علیه السلام مـی‌بینـیم کـه ایشـان نیـز همچـون دیگـر امامـان نمونـه کامل این صفت اخلاقـی بودنـد. شـاید بتـوان از موقعیـت‌هـای دشـواری کـه ایشـان بـا آن رو به رو شدند زمانی که مأمون این بزرگوار را به خراسان دعوت کرد نام برد.

## رفتار امام رضا علیه السلام با خانواده:

سراسر مدت سی و پنج سـال امامـت امـام موسـی کـاظم علیـه السـلام بـا حـوادث و فـراز و نشـیب‌هـای سیاسـی آمیختـه بـود. بیشـتر زنـدگانی ایشـان در زنـدان‌هـای هـارون الرشـید سپری شد. امـام رضـا علیـه السـلام در تمـامی مـدتی کـه امـام کـاظم علیـه السـلام زنـدانی بودنـد دسـتیار و پشـتوانه اسـتوار پـدر در حـوادث سیاسـی فرهنگـی بودنـد. شـریک غـم‌هـا و رنج‌های پدرشان بودند هرگـز در برابـر قـدرت‌طلبـان هـوس بـاز، خودشـان را تسـلیم نکردنـد. ایشـان راه پـدر را ادامـه دادنـد و مـردم را بـه شـدت از یـاری رسـاندن و کمـک بـه خلفـای طاغوتی دور می‌کردند. چون امـام کـاظم علیـه السـلام بیشـتر عمـر شـریف‌شـان در زنـدان‌هـا سپری شد، امام رضا علیـه‌السـلام بـه عنـوان فرزنـد ارشـد مسـئول نگهـداری خـانواده ایشـان

بودند، ایشان در ایـن مـدت طـوری از خـانواده‌شـان مراقبـت کردنـد، کـه اجـازه ندادنـد کسـی به آنها بی‌احترامی کند، نهایـت احتـرام را بـه آنهـا مـی‌گذاشـتند و خطـرات دشـمنان را از آنـان دور می‌کردند.

## رفتار امام رضا علیه السلام با مردم:

امامــان بــا مــردم نشســت و برخاســت داشــتند و در تعــاملات اجتمــاعی بــه نیکــوترین صورت با آنان برخورد می‌نمودند. این سیره چنـان نیکـو بـود کـه بـا الگـو قـرار دادن آنـان مـا می‌توانیم روش صحیح برخورد اسلامی با افراد گوناگون را بیاموزیم.

با بررسی آیات در می‌یابیم برخـورد بـا انسـان‌هـای مختلـف بایـد هماهنـگ و متناسـب بـا روحیه آنها باشد خداوند عزوجل در قرآن فرموده است:

"محمـد رسـول الله والـذین معـه اشـداء علـی الکفـار رحمـاء بیـنهم"؛ محمـد فرسـتاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سخت و شدید و در میان خود مهربانند.

## حریم خصوصی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

ضرورت رعایـت حـریم خصوصـی افـراد از سـوی حکومـت جمهـوری اسـلامی ایـران ، بـا استناد به آیات قرآن، از جملـه آیـات ۲۷ و ۲۸ سـوره ی نـور کـه بـه حـریم خصوصـی مکـانی اشاره دارد و همچنـین تاکیـد روایـات بـر ممنوعیـت تجسس در امـور دیگـران روشـن اسـت. امـام خمینـی(ره) کـه در تمـامی عرصـه‌هـا، خـط مشـی اسـلامی داشـت ؛ حـریم خصوصـی مـردم را پیامبرانـه پاسـداری کـرد. ایشـان در تـاریخ ۱۳۶۱/۹/۲۴ ، فرمـان هشـت مـاده‌ای خطاب به قوۀی قضاییه و تمـام ارگـان‌هـای اجرایـی ، در مـورد اسـلامی شـدن قـوانین صـادر کرد و در ایـن فرمـان، ورود بـدون اذن بـه منـازل و محـل کـار افـراد ، شـنود تلفـن و گـوش دادن به نـوار و ضـبط صـوت دیگـران ، بـه نـام کشـف جـرم و تجسـس در اسـرار دیگـران و افشــای آن را ممنــوع و جــرم دانســت. (مهریــزی، «دولــت دینــی و حــریم خصوصــی» (بازخوانی فرمان هشت ماده ای امام خمینی (ره). www.islamy-abank.com)

در اصول ۲۲ و ۲۳ و ۲۵ قـانون اساسـی جمهـوری اسـلامی نیـز ، ردپـای توجـه بـه ایـن حق را می‌توان پیدا کرد. اصـل ۲۲ قـانون اساسـی مـی‌گویـد: «حیثیـت، جـان، مـال، حقـوق و مسکن افراد از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند».

اصل ۲۳ هم تفتیش عقاید را ممنوع کـرده، و اصـل ۲۵ ایـن مسـئله را بیـان مـی‌کنـد کـه «بازرسـی، نرسـاندن نامـه‌هـا، ضـبط و فـاش کـردن مکالمـات تلفنـی، افشـای مخـابرات تلگرافـی و تلکـس، سانسـور، عـدم مخـابره و نرسـاندن آن‌هـا، اسـتراق سـمع و هرگونـه تجسس ممنـوع اسـت مگـر بـه حکـم قـانون». (جهـانگیر، قـانون اساسـی جمهـوری اسـلامی ایران، ص ۳۳-۳۲).

با ایـن همـه ، طـرح حمایـت از حـریم خصوصـی کـه در تـاریخ ۸۵/۴/۸ بـه چـاپ رسـید؛ می‌تواند در ایـن زمینـه راهگشـا باشـد. در ایـن طـرح بـه حـریم خصوصـی جسـمانی، منـازل، محل کار، حـریم خصوصـی اطلاعـات، اطلاعـات شخصـی در فعالیـت‌هـای رسـانه‌هـا، حـریم خصوصی ارتباطات و مسؤلیت‌های ناشـی از نقـض حـریم خصوصـی توجـه شـده اسـت. یکـی از مباحـث یـاد شـده در ایـن طـرح کـه مـرتبط بـا ایـن مقالـه اسـت ؛ حـریم خصوصـی و ارتباطات اینترنتی در هفت ماده می‌باشد.

## حریم خصوصی در اسناد بین الملل

حـق حـریم شخصـی بـه خـوبی در قـوانین بـین المللـی آمـده اسـت. بـه دنبـال پـذیرش اعلامیـه ی جهـانی حقـوق بشـر در سـال ۱۹۴۸م و مـاده ی ۱۲ کـه مسـتقیماً دربـاره ی موضـوع حـریم شخصـی اسـت؛ شـروط مشـابهی در قـرار داد بـین‌المللـی حقـوق مـدنی و سیاسـی و کنوانسـیون اروپـا در مـورد حقـوق بشـر و سـایر کنوانسـیون‌هـا و توافقهـای منطقـه‌ای آمـده اسـت. (مـارک روتنبـرگ، «حفـظ حـریم شخصـی در جامعـه ی اطلاعـاتی»، چـالش‌هـای حقـوقی اخلاقـی و اجتمـاعی فضـای رایانـه‌ای، بـه کوشـش بابـک دربیگـی، ص ۱۶۱)

اعلامیه ی جهانی حقـوق بشـر در مـاده‌ی ۳ چنـین مـی‌گویـد: «هـر فـردی حـق زنـدگی، آزادی و امنیـت شخصـی دارد» و در اصـل ۱۲ نیـز آمـده: «نبایـد در زنـدگی خصوصـی، امـور خانوادگی، اقامتگـاه یـا مکاتبـات هـیچ کـس ، مداخلـه‌هـای خودسـرانه صـورت گیـرد، یـا بـه شـرافت و آبـرو و شـهرت کسـی حملـه شـود. در برابـر چنـین مداخلـه‌هـایی برخـورداری از حمایـت قـانون، حـقّ هـر شخصـی اسـت». (گلـن جانسـون،اعلامیه‌ی جهـانی حقـوق بشـر و تاریخچه‌ی آن، ترجمه‌ی محمد جعفر پناهنده، ص ۹۲-۹۱)

در اعلامیــه ی حقــوق بشــر اســلامی مصــوب ۱۴ محــرم ۱۴۱۱ قمــری در قــاهره ، در ماده‌ی ۱۸ قسمت «ب» ، در مورد توجه به حریم خصوصی آمده است:

«هــر انســانی حــق دارد کــه در امــر زنــدگی خصوصــی خــود اســتقلال داشــته باشــد ، و جاسوسـی یـا نظـارت بـر او و مخـدوش کـردن حیثیـت او جـایز نیسـت و بایـد از او در مقابـل هرگونــه دخالــت زورگویانــه حمایــت شــود». ( هوشــنگ، ناصــر زاده، اعلامیــه هــای حقــوق بشر، جهاد دانشگاهی ۱۳۷۲، ص ۹-۱۰)

توجه به حریم خصوصـی در بیانیـه ی اصـول اجـلاس عـالی سـران دربـار ه ی جامعـه ی اطلاعاتی ، مصوب ۱۲ دسامبر ۲۰۰۳ نیز دیده می‌شود. در ماده ی ۳۵ این بیانیه آمده:

«تقویت چارچوب اطمینـان بخـش ،از جملـه : امنیـت اطلاعـات و امنیـت شـبکه، تضـمین اعتبار، حفظ حریم خصوصـی و حمایـت از مصـرف کننـده، از پـیش شـرطهـای ایجـاد جامعـه ی اطلاعـاتی و ایجـاد اعتمـاد میـان اسـتفاده کننـدگان از فنـاوری‌هـای اطلاعـاتی و ارتبـاطی است».

در مـاده‌ی ۵۸ نیـز در اسـتفاده از فنـاوری‌هـای اطلاعـاتی ، بـر رعایـت حقـوق بشـر و آزادی‌های بنیادین از جملـه حـریم خصوصـی ، تاکیـد شـده اسـت.( بیانیـه ی اصـول اجـلاس عــالی ســران دربــاره ی جامعــه ی اطلاعــاتی/۱۲ دســامبر ۲۰۰۳،: ش ســند: WSIS۳ / E۴genevae/ doc/).

بنابراین، یکـی از نگرانـی‌هـای اساسـی در مـورد اینترنـت ، حفـظ حـریم شخصـی افـراد و اطلاعات گوناگونی است کـه در رایانـه‌هـای شخصـی نگهـداری مـی‌شـود. از طریـق نفـوذ بـه این سیسـتم‌هـا، امکـان سـوء اسـتفاده و ایجـاد خطـر بـرای شـهروندان بـه وجـود دارد.( علـی اکبر، اجلالی، شهر الکترونیک، ص ۵۷)

به طور خاص، اطلاعاتی که مـی‌توانـد محرمانـه یـا شخصـی تلقـی شـود و امکـان افشـای آن‌هـا از طریـق اینترنـت وجـود دارد عبـارت‌انـد از: «علائـم تجـاری، روابـط جنسـی، امـور مـذهبی و سیاسـی، اطلاعـات پزشـکی و مـالی یـا امنیتـی». ایـن اطلاعـات کـه بـه دلایـل مختلـف و بـرای سـهولت دسترسـی بـه آن‌هـا یـا انتقـال بـه دیگـران از طریـق شـبکه‌هـای رایانه‌ای حفظ می‌شود؛ بـه راحتـی مـی‌توانـد در اختیـار افـراد ناصـالح قـرار گیـرد و بـا افشـای آن‌هـا ضـررهای هنگفتـی بـه مـال یـا آبـروی افـراد وارد آیـد. (کدخـدایی،«شـبکه هـای

اطلاعـاتی جهـانی و نقـض حقـوق بشـر بـا تاکیـد بـر حـق حـریم خصوصـی، سـایت ایـران و جامعه ی اطلاعاتی).

به هر حال، ظهور شبکه‌ها بـه معنـای تهدیـد بـزرگ‌تـر حـریم اطلاعـات و رابطـه‌ای افـراد در مقایسـه بـا فنـون قبلـی ارتباطـات اسـت. ایـن تهدیـد، ناشـی از دسـته بنـدی و ادغـام پرونده‌ها و قابلیت ردگیـری کارهـای روزانـه ی افـراد اسـت. ایـن بـه معنـای بـه‌وجـود آمـدن ضد ارزشی به نام «در دسترس بـودن در هـر مکـان و زمـان» اسـت کـه مـی‌تـوان ، رد افـراد را تـا عمیـق‌تـرین زوایـای جامعـه گرفـت. (جـان ون دایـک، سیاسـت گـذاری در جامعـه ی شبکه‌ای، ترجمه ی پیروز ایزدی، فصلنامه ی رسانه، سال پانزدهم، شماره‌ی۲، ص۱۱۱)

بـه هـر حـال ، چنانچـه بخـواهیم مصـادیق نقـض حـریم خصوصـی را در اینترنـت برشمریم؛ به مـواردی چـون: دسترسـی و تصـرف در اطلاعـات شخصـی افـراد، مزاحمـت‌هـای اینترنتـی، تـوهین، تخریـب پایگـاه‌هـای اطلاعـاتی افـراد و اسـتفاده از نـام افـراد مـی‌تـوانیم اشاره کنیم.

## بخش دوم: هتک حرمت افراد و مصادیق آن

هتـک حرمـت مصـادیق متعـددی داردماننـد: فحـش دادن، بـدگویی کـردن، مسـخره و غیبت کردن، تهمت زدن و هر چیزی که عرفـاً یـا شـرعاً بـی احترامـی بـه شـمار آیـد و باعـث بردن آبـروی انسـان شـود. نگارنـده ، بـر ایـن بـاور اسـت: بـا توجـه بـه شخصـیت و موقعیـت اجتماعی افراد و همچنـین زمـان و مکـان و رشـد تکنولـوژی ، مصـادیق هتـک قابـل شـدت و ضعف هستند و متناسب با آن قانونگذار بایـد حکـم وضـع کنـد؛ در متـون فقهـی، قاعـده‌هـایی تحت عنـوان «حرمـت اهانـت بـه محترمـات در دیـن» (موسـوی بجنـوردی، محمـد، القواعـد الفقهیـه، ج۵، ص۲۹۴) و «قاعـده‌ی احتـرام» بـرای احتـرام نگـه داشـتن و ارج نهـادن نیـز آمده است. (مصطفوی، سید محمد کاظم، مائه قاعده‌ی فقهیه، ص۲۳).

## برخی از مصادیق محتوای مجرمانه در فضای مجازی

در این موارد، شخصی را کـه خـود مسـتقیم بـه انتشـار فـیلم یـا صـوت یـا اسـرار دیگـران اقدام کرده، مـی‌تـوان بـه خـاطر وارد آوردن خسـارات معنـوی بـه قربـانی، بـه جـرایم سـنگین نقدی و به خاطر جنبه ی عمـومی جـرم، بـه حـبس محکـوم کـرد. اگـر ایـن شـخص نیـز بـه

نحوی فیلم، صوت یا اسرار شـخص ثـالثی را در اختیـار دیگـران قـرار داده تـا اقـدام بـه هتـک حرمت و لکه‌دار کـردن آبـروی شخصـی کنـد؛ در ایـن مـوارد مـی‌تـوان عمـد را مسـلم فـرض کـرده و بـه علـت معاونـت در ارتکـاب جـرم، وی را مـورد تعقیـب و کیفـر قـرار داد. ممکـن است در برخی موارد، مجازات جـرم اصـلی بـه علـت اقـوی بـودن سـبب از مباشـر بـر معـاون اعمال شود. هـر چنـد در حـال حاضـر، اقـدام زشـت و زننـدهٔ ی افـرادی کـه اقـدام بـه انتشـار این گونه مطالب مـی‌کننـد، مـی‌توانـد تحـت شـمول قـانون نحـوهٔ ی مجـازات اشخاصـی کـه در امـور سـمعی و بصـری فعالیـت‌هـای غیـر مجـاز دارنـد، مصـوب ۷۲/۱۱/۲۷ و بنـد «الـف» ماده ی ۳ قـانون فـوق و همچنـین مـواد مختلـف قـانون مجـازات اسـلامی قـرار گیـرد، ولـی این امر باز هم نیـاز مبـرم بـه تصـویب دو لایحـه ی نـامبرده (حفـظ حـریم خصوصـی افـراد و جرایم اینترنتی) را از بین نمـی‌بـرد. دربـاره ی حرکـات اخیـر، مـی‌تـوان بـه مـواد قـانونی زیـر اشاره کرد:

بنـد۱ مـاده ی ۶۴۰ قـانون مجـازات اسـلامی، دربـارهٔ ی نمـایش مسـائلی کـه عفـت و اخلاق عمومی را جریحـه‌دار کنـد. بنـد ۲ ، در مـورد در اختیـار دیگـران قـرار دادن ایـن مـوارد و بند ۳ راجع بـه انتشـار آن. مـاده ی ۶۹۷ ، راجـع بـه نسـبت دادن عمـل بـه شـخص دیگـر به هر وسیله‌ای و انتشـار مطـالبی در ایـن مـورد و بـه ویـژه تبصـرهٔ ی آن دربـارهٔ ی ایـن کـه نشر این امر، اشاعهٔ ی فحشا به شمار می‌رود.

لازم به ذکر است کـه در اسـتفتائات گونـاگون از آیـات عظـام و مراجـع تقلیـد نیـز (آیـت الله العظمـی موسـوی اردبیلـی، آیـت‌الله العظمـی نـوری همـدانی، آیـت‌الله العظمـی صـافی گلپایگـانی، آیـت‌الله العظمـی مکـارم شـیرازی و مرحـوم آیـت‌الله العظمـی فاضـل لنکرانـی) ، آنـان بـه اتفـاق «تجسـس و تفتـیش در امـور شخصـی و حـریم خصوصـی افـراد و همچنـین اقدام برخـی سـایت‌هـا در انتشـار مطـالبی در حـوزهٔ ی شخصـی و حـریم خصوصـی افـراد» را جایز نشمرده، انتشار این مطالب را حرام می‌دانند.

گفتنی است که در خصوص جـرایم رایانـه‌ای علیـه عفـت و اخـلاق عمـومی مـی‌تـوان بـه مواد قانونی زیر اشاره کرد:

در مــاده ی ۱۴ قــانون مجــازات اســلامی چنــین ذکــر شــده «هــرکس بــه وســیله ی سیستم‌های رایانه‌ای یا مخـابراتی یـا حامـل‌هـای داده، محتویـات مسـتهجن را تولیـد، ارسـال، منتشر، توزیع یـا معاملـه کنـد یـا بـه قصـد ارسـال یـا انتشـار یـا تجـارت تولیـد یـا ذخیـره یـا

نگهـداری کنـد؛ بـه حـبس از نـود و یـک روز تـا دو سـال یـا جـزای نقـدی از پـنج تـا چهـل میلیون ریال یا هر دو مجازات، محکـوم خواهـد شـد. مـاده ی فـوق چهـار تبصـره دارد کـه بـه واسطه ی تطویل ، از ذکر آن خودداری شد».

ماده ی ۱۵ : «هرکس از طریـق سیسـتم‌هـای رایانـه‌ای یـا مخـابراتی یـا حامـل‌هـای داده ، مرتکب اعمال زیر شود، به ترتیب زیر مجازات خواهد شد:

الف) چنانچـه ، بـه منظـور دسـتیابی افـراد بـه محتویـات مسـتهجن، آن‌هـا را تحریـک یـا ترغیب یا تهدید یا تطمیع کند یا فریـب دهـد یـا شـیوهٔ ی دسـتیابی بـه آن‌هـا را تسـهیل کنـد یا آموزش دهد، به حبس از نـود و یـک روز تـا یـک سـال یـا جـزای نقـدی از پـنج تـا بیسـت میلیـون ریـال یـا هـر دو مجـازات محکـوم خواهـد شـد. ارتکـاب ایـن اعمـال در خصـوص محتویات مبتذل ، موجب جزای نقدی از دو تا پنج میلیون ریال است.

ب) چنانچـه افـراد را بـه ارتکـاب جـرائم منـافی عفـت یـا اسـتعمال مـواد مخـدر یـا روان‌گردان یا خودکشی یا انحرافات جنسـی یـا اعمـال خشـونت آمیـز تحریـک یـا ترغیـب یـا تهدید یا دعوت کند یا فریب دهد یـا شـیوه ی ارتکـاب یـا اسـتعمال آن‌هـا را تسـهیل کنـد یـا آموزش دهد؛ بـه حـبس از نـود و یـک روز تـا یـک سـال یـا جـزای نقـدی از پـنج تـا بیسـت میلیون ریال یا هر دو مجازات».

تبصره : مفاد ایـن مـاده ، و مـاده ی (۱۴) شـامل آن دسـته از محتویـاتی نخواهـد شـد کـه برای مقاصد علمی یا هر مصـلحت عقلایـی دیگـر ، تهیـه یـا تولیـد یـا نگهـداری یـا ارائـه یـا توزیع یا انتشار یا معامله می‌شود.

و در مورد هتک حیثیت و نشر اکاذیـب علیـه اشـخاص ، بـه قـوانین زیـر مـی‌تـوان اشـاره نمود:

ماده ی ۱۶ : «هرکس به وسیله ی سیسـتم‌هـای رایانـه‌ای یـا مخـابراتی، فـیلم یـا صـوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آن را منتشـر یـا بـا علـم بـه تغییـر یـا تحریـف منتشر کند؛ به نحوی کـه عرفـاً موجـب هتـک حیثیـت او شـود، بـه حـبس از نـود و یـک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پـنج تـا چهـل میلیـون ریـال یـا هـر دو مجـازات محکـوم خواهـد شد.

تبصره : چنانچه تغییر یا تحریـف بـه صـورت مسـتهجن باشـد، مرتکـب ، بـه حـداکثر هـر دو مجازات مقرر، محکوم خواهد شد».

مادهی ۱۷: «هرکس به وسـیله ی سیسـتمهـای رایانـهای یـا مخـابراتی صـوت یـا تصـویر یـا فـیلم خصوصـی یـا خـانوادگی یـا اسـرار دیگـری را بـدون رضـایت او منتشـر کنـد یـا در دسترس دیگران قرار دهد؛ بـه نحـوی کـه منجـر بـه ضـرر یـا عرفـاً موجـب هتـک حیثیـت او شود، به حبس از نود و یـک روز تـا دو سـال یـا جـزای نقـدی از پـنج تـا چهـل میلیـون ریـال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد».

مادهی ۱۸: «هرکس بـه قصـد اضـرار بـه غیـر یـا تشـویش اذهـان عمـومی یـا مقامـات رسمی ، به وسـیله ی سیسـتم رایانـه یـا مخـابراتی ، اکـاذیبی را منتشـر نمایـد یـا در دسـترس دیگران قرار دهد یا بـا همـان مقاصـد اعمـالی را بـرخلاف حقیقـت، رأسـاً یـا بـه عنـوان نقـل قول، به شخص حقیقی یا حقـوقی یـا مقـامهـای رسـمی بـه طـور صـریح یـا تلـویحی نسـبت دهد؛ اعم از اینکه از طریق یاد شـده بـه نحـوی از انحـاء ضـرر مـادی یـا معنـوی بـه دیگـری وارد شود یـا نشـود، افـزون بـر اعـادهی حیثیـت بـه حـبس، از نـود و یـک روز تـا دو سـال یـا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد».

## مصادیق هتک حرمت

اسـتاد معظـم جعفـر سـبحانی در کتـاب «المحاضـرات فـی الالهیـات» خـود؛ در بیـان خاتمیت نبـی اکـرم (صـل الله علیـه وآلـه) و جـاودانگی شـریعت آن حضـرت و بـی نیـازیاش از شریعت دیگر، این امر را مبتنی بـر دو عامـل اساسـی مـیدانـد: الـف) بهـرهمنـدی از قـوانین زنـده و خلّـاق، تـا بـا ایجـاد مسـائل و موضـوعات جدیـد، احکـام آنهـا را پاسـخگو باشـد. ب) احکـامش در عـین صـلابت و اسـتحکام نسـبت بـه جامعـه ، آینـدهنگـر و دارای وسـعت نظـر باشـد، سـپس بـرای عامـل اول چهـار مصـداق و نسـبت بـه عامـل دوم، سـه مصـداق را برمیشمرد (جعفر سبحانی، المحاضرات فی الالهیات، ص۴۸۸-۴۹۳).

بر همین اساس ، اینترنت گرچـه پدیـدهای نوظهـور اسـت، امـا آنچـه در ارتبـاط بـا هتـک حرمت افراد، توسط ایـن پدیـده صـورت مـیگیـرد، خـارج از مصـادیق هتـک حرمـت نبـوده و اسـلام بـرای تمـام ایـن مـوارد حکمـی در نظـر گرفتـه و ایـن خـود پویـایی ایـن مکتـب را میرساند.

امـوری کـه آیـات و روایـات، ارتکـاب آنهـا را نسـبت بـه مؤمنـان غیـر جـائز و حـرام بـر شـمردهانـد و از مصـادیق بـارز هتـک حرمـت انسـان بـه شـمار مـیآینـد و از آن منـع کـرده

عبارت‌اند از: «استهزاء و مسخره کردن مؤمن، ریختن آبروی مؤمن، رازداری و افشاء سر، طعنه زدن به مؤمن، شایعه پراکنی، بهتان و افتراء، قذف، غیبت کردن، سب النبی و هرگونه اذیت و آزار نمودن مؤمن، هر نوع اهانت و بی‌احترامی نسبت به مؤمن».

## ۱- تمسخر و استهزاء

تمسخر و استهزاء یک انسان، در حقیقت به بازی گرفتن شخصیت او و خوار و زبون ساختن او می‌باشد. ریشه‌ی این صفت زشت، احساس حقارت و کمبود شخصیت است. مسخره کننده می‌خواهد با زشت و ضعیف و خوار جلوه دادن دیگران و کوچک کردن او، خود را بزرگ و محترم جلوه دهد.

مسخره کردن مؤمن یکی از مصادیق هتک حرمت است که قرآن می‌فرماید:[۱] «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما، گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند؛ و نه زنان دیگران را، شاید آنان بهتر از اینان باشند؛ و یکدیگر را مورد طعن و عیب جویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید. بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان، نام کفرآمیز بگذارید، و آن‌ها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند!» (حجرات/۱۱).

## ۲- طعنه زدن و عیب جویی

طعنه زدن به مؤمن و افشای عیوب وی، موجب هتک حرمت و جسارت به اوست و از دیدگاه قرآن مجید صفتی زشت ، ناپسند و مردود است. کیست که بی‌عیب باشد جز خداوند و معصومین(ع)، ولی با وجود همه‌ی عیب‌هایی که در انسان‌ها هست، خداوند ستارالعیوب است و آن ها را پوشانده است. مسلمانان نیز باید این اخلاق الهی را در خود زنده نگه داشته و عیب پوش باشند. سوابق کسی را بدون جهت، آشکار کردن و او را بی آبرو ساختن، از کارهای بسیار زشتی است که با منش مسلمانان سازش ندارد.

---

۱ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا يَسْخَرْ قَومٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلا تَنَابَزُوا بِالأَلْقَابِ بِئْسَ الاسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ)

آیــه‌ی شــریفه‌ی ۱۱ از ســوره‌ی حجــرات، آفــت اجتمــاعی دیگــری را بیــان مــی‌کنــد: «همدیگر را مورد طعن و عیب جویی قرار ندهید»[1].

## ۳- ریختن آبروی مؤمن(عِرض مؤمن)

تعـالیم دیـن مقـدس اسـلام بـه مـا مـی‌آمـوزد کـه، انسـان‌هـا دارای ارزش و احتـرام می‌باشند و آبروی مسـلمان بسـیار ارزشـمند و والاسـت و ریخـتن آن گنـاهی بسـیار خطرنـاک و بـزرگ شـمرده شـده اسـت. شـاید نتـوان بـاور کـرد کـه پـس از ایمـان، چیـزی گـران‌تـر از آبروی مسلمان وجود ندارد. آبـروی یـک فـرد، محصـول یـک عمـر زنـدگی، تـلاش و سـختی است که ممکن است در یک لحظـه از دسـت بـرود؛ بنـابراین ، گنـاهی نیـز بـالاتر و بـزرگ‌تـر از ریختن آبروی مسلمان وجود نـدارد. در روایتـی ریخـتن آبـروی مـومن، جنـگ بـا خـدا ذکـر شـده.[2](کلینـی، الکـافی، ج ۳۵۱/۲)؛ امـام صـادق(ع) فرمـود کـه رسـول خـدا (ص) فرمودنـد: خداوند تبارک و تعالی فرموده اسـت: هـر کـس دوسـتی از دوسـتان مـرا خـوار کنـد؛ در کمـین جنگ با مـن نشسـته اسـت. دربـاره ی اهمیـت حفـظ آبـرو، امـام صـادق(ع) مـی‌فرمایـد:[3]«هـر کــس دربــاره ی مــؤمن آنچــه را دیــدگانش دیــده و گــوش‌هــایش شــنیده بگویــد؛ از کســانی است که خداوند عزوجـل دربـاره ی ایشـان فرمـوده اسـت: (همانـا بـرای کسـانی کـه دوسـت دارنــد زشــتی در میــان مومنــان آشــکار شــود، عــذابی دردنــاک اســت)». (کلینــی، الکــافی، ج۳۵۷/۲).

## ۴- افشاء سرّ

افشــاء ســر، یکــی دیگــر از مصــادیق هتــک حرمــت اســت و در مقابــل آن رازداری ،از خصــائل اخلاقــی اســت. شــاید بتــوان در تعریــف رازداری ، چنــین گفــت: «بســیاری از مــردم رازهایی اعم از خوب و بد دارند که اگـر افشـاء شـود؛ زیـان مـی‌بیننـد لـذا ، بـر شـخص مطلـع است که این اسـرار را حفـظ کنـد»، مـثلا شـخص آبرومنـدی بـر اثـر وسوسـه‌هـای شـیطان ،

---

[1] (وَ لا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ)

[2] عن ابی عبدالله قال: «قال رسول‌الله قال الله تبارک و تعالی: مَن أهان لی ولیا فقد ارصد لمحاربتی»

[3] «من قال فی مؤمن ما رَأَتْهُ عیناه و سمعته أُذناه فهو من الذین قال الله عز و جل ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشة فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم، نور/۱۹»

مرتکب گناه بزرگ مخفیانه‌ای شـده، و فـرد یـا افـراد خاصـی بـه عللـی از آن آگـاه شـده‌انـد ، اگـر ایـن راز بـر مـلا شـود، شخصـیت اجتمـاعی او سـقوط مـی‌کنـد، لـذا ، از آن چنـد نفـر خواهش می‌کند راز او را مستور دارند.

۱ـ در آیه ی ۱۶ سـورهٔی توبـه مـی‌خـوانیم:[۱] «آیـا گمـان کردیـد کـه (بـه‌حـال‌خـود) رهـا می‌شوید؛ در حالی که هنوز آنها کـه از شـما جهـاد کردنـد، و غیـر از خـدا و رسـولش را محـرم اسرار خویش انتخاب ننمودنـد (از دیگـران) مشـخص نشـده‌انـد (بایـد آزمـون شـوید و صـفوف از هـم جـدا شـود) و خداونـد ، بـه آنچـه عمـل مـی‌کنیـد آگـاه اسـت». ایـن آیـه مـی‌گویـد: مسـلمانان اسـرار خـود را بـه کسـانی بگوینـد کـه مطمـئن بـه حفـظ آن باشـند؛ نـه بـه افـراد نامطمئنی که افشاء سرّ مـی‌کننـد. مفهـوم ایـن سـخن آن اسـت کـه : رازداری فضـیلت اسـت، و افشاء سرّ از رذائل محسوب می‌شود.

۲ــــ در آیــه ی ۱۱۸ ســورهٔی آل عمــران نیــز مــی‌خــوانیم:[۲]«ای کســانی کــه ایمــان آورده‌اید محرم اسراری از غیر خودتـان انتخـاب نکنیـد، آنهـا از هرگونـه شـرّ و فسـادی دربـاره ی شما کوتاهی نمی‌کنند».

امـا در احادیـث اسـلامی دربـاره ی رازداری و تـرک افشـای سـرّ ، تعبیـرات گونـاگونی دیده می‌شود که نشـان دهنـده ی اهتمـام اسـلام بـه ایـن موضـوع اسـت تـا آنجـا کـه اسـرار دیگـران ، بـه منزلـه ی امانـت‌هـای آنهـا شـمرده شـده و افشـای سـرّ بـه عنـوان خیانـت در امانت است.

۱– در حـدیثی از رسـول خـدا(ص) مـی‌خـوانیم:[۳]... افشـاء سـرّ ، همچـون خیانـت در امانـت است.(فیض کاشانی ، المحجهٔ البیضاء، ۲۳۷/۵).

۲– نیـز در حـدیثی دیگـر از امیرمؤمنـان علـی(ع) مـی‌خـوانیم:[۴]«کسـی کـه پـرده از روی اسـرار بـرادر مسـلمانش بـردارد، خداونـد عیـوب اسـرار او را بـر مـلا مـی‌کنـد». (خوانسـاری، شرح غررالحکم و دررالکلم، ۳۷۱/۵).

---

[۱] (اَمْ حَسِبْتُمْ اَنْ تُتْرَكُوا وَ لَمّا يَعْلَمِ اللّهُ الَّذِينَ جاهَدُوا مِنْكُمْ وَ لَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللّهِ وَ لا رَسُولِهِ وَ لاَ الْمُؤمِنينَ وَلِيْجَةً وَاللّهُ خَبِيرُ بِما تَعْمَلُونَ)

[۲] (يا اَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا بِطانَةً مِن دُونِكُمْ لايَأْلُونَكُمْ خَبالا)

[۳] «اِذا حَدَّثَ الرَّجُلُ اَلْحَدِيثَ ثُمَّ اِلْتَفَتَ فَهِیَ اَمانَةٌ»

[۴] «مَنْ كَشَفَ حِجابَ اَخِيْهِ اِنْكَشَفَ حِجابَ بَيْتِهِ»

۳- همچنین درحدیثی از امیرمؤمنـان(ع) مـی‌خـوانیم:[۱] تمـام خیـر دنیـا و آخـرت در دو چیـز جمع شـده؛ در رازداری و دوسـتی بـا نیکـان و تمـام بـدی‌هـا در دو چیـز جمـع اسـت :افشـای سرّ و دوستی با بدان». (مجلسی، بحارالانوار، ۱۷۸/۷۱)

البته، کتمان سر ممکن است اشـاره بـه کتمـان سـرّ خویشـتن باشـد، ولـی اطـلاق حـدیث شامل کتمان اسرار خویش و دیگران هر دو می‌شود.

به یقین، همهٔی انسـان‌هـا در زنـدگی شخصـی خـود رازهـایی دارنـد کـه گـاه مربـوط بـه ضعف‌ها و عیوب آنها اسـت و گـاه مربـوط بـه پیـروزی‌هـا و موفقیـت‌هـا مـی‌باشـد، کـه افشـا کردن آنچه مربـوط بـه ضـعف و عیـب اسـت، اعتبـار و حیثیـت اجتمـاعی افـراد را زیـر سـؤال مـی‌بـرد، و چـه بسـا مایـه ی سـلب اعتمـاد عمـومی و شکسـت و آبروریـزی و هتـک حرمـت شود، به همـین دلیـل ، هـم خودشـان بایـد آن اسـرار را بپوشـانند و هـم دیگـران، تـا مجـالی برای اصلاح عیوب و برطرف کردن ضعف‌ها حاصل شود.

## ۵- شایعه پراکنی

از عوامـل مهـم ایجـاد تفرقـه و مصـادیق هتـک حرمـت، کـه ضـایعات فراوانـی را در جامعه می‌تواند ایجاد کنـد؛ شـایعه‌پراکنـی و خبرسـازی‌هـای غالبـاً غیـر واقعـی در میـان مـردم اسـت. ایـن ناهنجـاری اجتمـاعی- خصوصـاً، در عصـر کنـونی بـه دلیـل وجـود دسـتگاه‌هـای ارتباطی مجهّـز، کـه در کوتـاه‌تـرین زمـان مـی‌تـوان مطلبـی را در سـطح بـین المللـی انتشـار داد- در خبرسـازی، دروغ پـردازی، غیبـت و نسـبت‌هـای نـاروا بـه دیگـران، بـه ویـژه در جوسـازی‌هـای حزبـی و گروهـی در امـور سیاسـی- بسـیار مـؤثر اسـت. از ایـن رو مسـلمانان، بایـد دقـت کننـد تـا دامـن خـود را بـه ناهنجـاری‌هـای اخلاقـی آلـوده نسـازند و تـا وقتـی از شنیده‌ای اطمینان پیدا نکرده‌انـد؛ آن را بیـان و تکـرار نکننـد. چـه بسـا شـنیده‌هـایی کـه هـیچ واقعیتی ندارنـد. پیـامبر اکـرم(ص) ، در توصـیه ی خـود بـه ابـوذر غفـاری مـی‌فرمایـد:[۲] «بـرای دروغگـو بـودن فـرد همـین بـس کـه ، هـر چـه را شـنیده اسـت، بـازگو کنـد». (حـر عـاملی، وسایل الشیعه، ج۱۸۸/۱۲).

---

[۱] «جُمعَ خَیْرُ الدُّنیا وَ الآخرةِ فِی کِتْمانِ السِرِّ وَ مُصادِقَةُ الأَخْیارِ وَ جَمیعَ الشَّرِ فِی الأذاعَةِ وَ مُواخاةُ الأشرار»

[۲] «کَفی بِالْمَرءِ کِذْباً أَنْ یُحَدِّثَ بِکُلِّ ما یَسْمَعُ».

## ۶- بهتان و افتراء

بهتان و افتراء، یعنی : چیزی را به دروغ ، به دیگری نسبت دادن و شخصی که مرتکب گناه و عمل زشتی نشده به انجام آن متهم کردن، یا عیب و نقصی را که در او نیست به او بچسبانند و فرقی نیست که این نسبت دروغ در حضور او باشد یا در غیابش.

در روایتی امام صادق(ع) می‌فرمایند: [1]«هرگاه مؤمنی برادر مؤمن خویش را متهم سازد و به او تهمت بزند ؛ ایمان از قلب او محو می‌شود همچنان‌که نمک در آب ذوب می‌گردد». (کلینی، کافی، ج۳۶۱/۲؛ بحرانی، البرهان، ۲۰۸/۴)؛ بدین‌سان ، وقتی ایمان مؤمن ذوب شد و دیگر اثری از ایمان در قلبش باقی نماند، جایگاهش دوزخ است، چنان‌که پیامبر اکرم فرمودند:[2]«هر کس به مرد یا زن با ایمانی بهتان بزند یا درباره ی کسی چیزی بگوید که در او نیست، خداوند ، در قیامت او را بر تلی از آتش قرار می‌دهد تا از آنچه گفته است خارج شود و از عهده ی گفته ی خود بیرون آید». (حرعاملی، وسائل الشیعه، ۸/ ۶۰۳؛ شیخ صدوق، ب۳۰، عیون اخبار الرضا).

در قرآن کریم ، بیش از چهل آیه درباره‌ی تهمت و بهتان به مردم در خصوص جریانات مختلفی نازل شده که چند نمونه ی مهم آن ذکر می‌شود. خداوند در قرآن می فرماید:[3] «ای مؤمنان ، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، زیرا بعضی از گمان‌ها گناه است». (حجرات/۱۲).

مراد این است که به گمان خود، ترتیب اثر ندهید و از عمل بدون علم اجتناب ورزید، زیرا بسیاری از کسانی که بدون علم و بر اساس حدس و گمان عمل می‌کنند، مرتکب گناه و معصیت می‌شوند؛ چنان‌که در آیه ی دیگر فرمود:[4]«از آنچه بدان علم نداری پیروی مکن» (اسراء/۳۶)؛ در جای دیگر، گروهی را به سبب اینکه به سوء ظن خود ترتیب اثر دادند ملامت و سرزنش می‌کند و می‌فرماید:[5] «شما بدگمان شدید و سوء ظن پیدا کردید و بر اساس آن عمل کردید؛ پس هلاک و تباه گشتید». (فتح/۱۲) و نیز

---

[1] «اذا اتهم المؤمن اخاه انماث الایمان من قلبه کما ینماث الملح فی الماء».

[2] «من بهت مؤمنا او مؤمنهً او قال فیه ما لیس فیه اقامه الله تعالی یوم القیامه علی تل من نار حتی یخرج مما قال فیه».

[3] (یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا کَثِیراً مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ)

[4] (وَلا تَقْفُ مَا لَیْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ)

[5] (وَ ظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَکُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا)

مـی‌فرمایـد:[۱] «مشـرکان پیـروی نمـی‌کننـد مگـر گمـان را و آنـان گمـان آوران هسـتند». (یونس/۶۶).

مؤمن، نه تنهـا بـه بـرادر و خـواهر مـؤمن خـویش نبایـد سـوء ظـن داشـته باشـد و بـه آن ترتیب اثر بدهد، بلکه باید عمـل او را، حمـل بـر صـحت کنـد و بکوشـد تـا سـوء ظـن خـویش را به حسن ظن تبدیل نمایـد. امیـر مؤمنـان(ع) در ایـن بـاره مـی‌فرمایـد: «بایـد گفتـار و کـردار برادر دینی خـود را بـه بهتـرین وجـه قـرار دهـی ، مگـر اینکـه یقـین پیـدا کنـی و راه توجیـه (حمل بر صحت) بر تو بسته باشـد. و نبایـد بـه سـخن بـرادرت بـد گمـان باشـی، در حـالی‌کـه تـو محمـل خـوبی بـرای توجیـه کـلام او مـی‌یـابی». (بحرانـی، البرهـان، ج۴/ ۲۰۹؛ کلینـی، الکافی، ج۳۶۲/۲؛ شیخ طوسی، امالی، م۵۰/ ۳۰۴).

## ۶- قذف

یکی از برخوردهـای نـاروا و تـوهین در جامعـه، و از مصـادیق هتـک حرمـت انسـان قـذف است. این واژه عربی است و از نظـر لغـت بـه معنـی : انـداختن و پـرت کـردن در مسـافت دور مـی‌باشـد. راغـب مـی‌گویـد: «القـذف الرمـی البعیـد و لاعتبـار البعـد فیـه قیـل منـزل قذف»(راغب اصفهانی؛ مفـردات ۱۳۷۳ مـاده یقـذف). محقـق مـی‌گویـد: و هـو الرمـی بالزنـا و اللواط (علامه حلی، شـرایع الاسـلام؛ ج۱۶۲/۴)؛ **قـذف ، عبـارت اسـت از: نسـبت زنـا و لواط به کسی دادن.** ابن قدامـه از فقهـاء اهـل سـنت نیـز مـی‌گویـد: القـذف هـو الرّمـی بالزنا (ابن قدامـه،المغنی؛ ۱۴۰۳ ه ق، ص ۲۱۵). بـا توجـه بـه معنـی لغـوی ایـن کلمـه، معلـوم می‌گردد که نسبت مستقیمی میان معنـی لغـوی و اصـطلاحی آن مـی‌باشـد بـا ایـن معنـی کـه قـاذف در حقیقـت ،الفـاظ نـاروا و نسـبت‌هـای نامناسـب را ماننـد تیـری بـه سـوی اشـخاص ، نشانه می‌گیرد و او را بـا ایـن نسـبت‌هـا تـرور مـی‌کنـد و شخصـیت و اعتبـار وی را ، لکـه دار می‌نماید و به تعبیری شخصیت‌کشی می‌کند.

---

۱ (ان یتبعون الا الظنّ و ان هم الا یخرصون)

## ۷- غیبت و آثار آن

غیبـت بـر وزن «زینـت» ،از گناهـان کبیـره و عملـی اسـت کـه باعـث ریخـتن آبـروی مـؤمن و هتـک حرمـت دیگـران مـی‌شـود. قـرآن مـی‌گویـد:[۱](حجـرات/۱۲)؛ ای‌کسـانی کـه ایمـان آورده‌ایـد از بسـیاری از گمـان‌هـا بپرهیزیـد کـه پـاره‌ای از گمـان‌هـا، گنـاه اسـت! و جاسوسی مکنیـد! و بعضـی از شـما، غیبـت بعضـی نکنـد! آیـا کسـی از شـما دوسـت دارد کـه گوشـت بـرادر مـرده‌اش را بخـورد؟ از آن کراهـت داریـد. پـس از خـدا بترسـید، کـه خـدا، توبه‌پذیر و مهربان است.

در واقع ، غیبـت آن اسـت کـه در غیـاب شـخص مـؤمن، عیـب او را فـاش سـازی. اگـر او عیـب نداشـته باشـد و بـه او عیبـی را نسـبت دهـی، تهمـت زده‌ای کـه گنـاه تهمـت، از گنـاه غیبت، بالاتر اسـت؛ زیـرا سـرمایه ی بـزرگ هـر انسـان مـؤمنی در زنـدگی، حیثیـت و آبـروی او است و هرچـه، آن را بـه خطـر بینـدازد، ماننـد ایـن اسـت کـه جـان او را بـه خطـر انداختـه باشد. گاه می‌شود که تـرور شخصـیّت، از تـرور شـخص، مهـم‌تـر اسـت. لـذا، فلسـفه ی مهـم تحریم غیبت و اینکه از گناهان کبیـره شـمرده شـده اسـت ؛ مربـوط بـه حفـظ همـین سـرمایه بزرگ است.

از آنجا که آبروی مؤمن، خیلـی مهـم اسـت! خداونـد، بـرای اینکـه قـبح و زشـتی غیبـت را روشـن کنـد؛ مثـالی بسـیار جالـب زده اسـت. قـرآن، غیبـت کـردن را خـوردن گوشـت بـرادر مرده دانسته است.

## ۸- سب النّبی

سـبّ در لغـت، بـه معنـای دشـنام دادن، نفـرین کـردن و اهانـت اسـت (معـین، فرهنـگ معین، ذیل واژه‌ی سب) و بـه معنـای دشـنام سـخت و دردنـاک نیـز آمـده اسـت. **نویسـنده‌ی کتاب ترمینولوژی حقوق ، سـبّ را چنـین تعریـف کـرده اسـت: «سـبّ یعنـی دشـنام و بدگویی با جملات انشـایی و آن عبـارت اسـت از: ذکـر الفـاظ یـا نوشـته‌هـای نـاخوش به کسی ، به قصد تحقیر و اهانت بـه صـورت هجـو و غیـر آن، جـرم اسـت و مجـرم را سابّ گویند. از بزه هـای ضـد شـرف و عـرض اسـت. مجنـی علیـه را مسـبوب گوینـد،**

---

[۱] (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيراً مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلا تَجَسَّسُوا وَلا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ)

**شتم نیز سبّ است. سبّ از مصـاديق ايـذاء اسـت. سـبّ نبـی، كبيـره اسـت»**. گفتـه‌انـد كه سب ،اخـص از تـوهين اسـت (جعفـری لنگـرودی، ترمينولـوژی حقـوق ج۳/۲۱۲۸) امـا بـه نظر می‌رسد سـبّ، متـرادف بـا تـوهين لفظـی يـا كتبـی است (زراعـت، عبـاس؛ شـرح قـانون مجـازات اسـلامی، ج۲/۴۹۴). سـبّ در زبـان فرانسـه معـادل واژه ی (Injoure) و در زبـان انگليســی، معــادل واژه‌هــای Injurg، insult، wrong، curse و Vilification اســت (كريمـی، فرهنـگ لغـات حقـوقی فارسـی انگليسـی، ص۱۱۳). البتـه در اينجـا هـر سـبّ و دشنامی مورد نظر نيست بلكه ، دشنام به پيامبر «سبّ النبی» مورد نظر است.

## نتيجه گيری:

در جامعه ی اطلاعـاتی كـه قـدرت، تـوان و سـرعت فنـاوری‌هـای اطلاعـاتی و در نتيجـه، توان بـالقوه ی تجـاوز بـه حـريم خصوصـی افـراد رو بـه افـزايش اسـت، ايجـاد تـوازن ميـان استقلال فردی و قـدرت حكـومتی از هميشـه پيچيـده‌تـر شـده اسـت؛ بـه نظـر مـی‌رسـد كـه هـيچ حـق اساسـی ديگـری در جامعـه ی اطلاعـاتی بـه انـدازۀی حـق حـريم خصوصـی و هتک حرمت افراد، چنين بحـث‌انگيـز نبـوده اسـت؛ چـون جامعـۀی بـين‌المللـی در بسـياری از موارد نقض حقوق بشر مثـل شـكنجه، تبعـيض و تنفـر نـژادی توانسـته بـه اتفـاق‌نظـر برسـد، امـا دفـاع از حـريم خصوصـی، بـه‌رغـم وجـود حساسـيت‌هـا و توجـه‌هـا و هتـک حـريم‌هـای فاحش، هنوز پراكنده و بی‌رمق است.

امروزه حق حـريم خصوصـی بـر خـلاف گذشـته، در عـرض سـاير حقـوق ديگـر اشـخاص قرار گرفته و تجاوز به آن، به عنوان نـوعی جـرم و حرمـت شـكنی يـاد مـی‌شـود كـه ناشـی از هتک حرمـت‌هـا همچـون: بـدگويی، عيـب جـويی ، غيبـت، دروغ و ... اسـت. آيـات و روايـات فراوانی در بيان مصـاديق حفـظ حـريم خصوصـی وارد شـده اسـت. آنچـه بـه نظـر مـی‌رسـد ، اجمال قوانين تعزيراتی (دو مـاه حـبس تـا افسـاد فـی الارض) و عـدم تناسـب آنهـا بـا جـرايم اينترنتی است.

بـه لحـاظ قـانونی، لـزوم وضـع قـوانين و مقـررات در جهـت حفـظ حرمـت انسـان‌هـا در تمامی موضوعات و احتساب نظريـه ی حـريم خصوصـی انسـان‌هـا بـه عنـوان يـک قاعـده ی آمره در حقوق بين الملل يـا حقـوق داخلـی كشـورها؛ و بـه لحـاظ اجتمـاعی، آمـوزش و تاكيـد

جنبه‌های حفاظتی به کـاربران اینترنتـی و ثبـت مشخصـات فـردی در کـافی‌نـت‌هـا مـی‌توانـد از عوامل پیشگیرانه ی این جرم و عدم اشاعه ی آن باشد.

در اسلام ، هتـک حرمـت و ورود بـه حـریم خصوصـی افـراد تحـت عنـاوینی چـون عیـب جویی ، غیبت ، افترا ، توهین ، قذف ، سب‌النبی و... مورد بحث قرار گرفته.

## فهرست منابع


قرآن مجید.

ابن ادریس حلّی، ابی جعفر محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج۲ (دوره ۳ جلدی)، مؤسسهی النشر الاسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۱ هـ ق.

ابن قدامه، عبد الله بن احمد، المغنی؛ ج ۸، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۰ هـ ق.

ادارهی کل قوانین، دو شوری طرح حمایت از حریم خصوصی، دوره هفتم، سال سوم، ۱۳۸۵.

البحرانی، السید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، چاپخانهی آفتاب (افست قم)، ۱۳۷۵ ق.

بروجردی، مهدخت، حریم خصوصی در جامعهی اطلاعاتی (۱و۲): www.bashgah.net.

بیانیهی اصول اجلاس عالی سران دربارهی جامعهی اطلاعاتی، ش سند: E۴/ genevae/ doc/ ۳WSIS.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، انتشارات مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.

تهرانی، مجتبی، اخلاق الهی، تدوین و تحریر بهمن شریف‌زاده، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهی اسلامی، ج۴.

جان ون دایک، سیاست گذاری در جامعهی شبکه‌ای، ترجمهی پیروز ایزدی، فصلنامهی رسانه، سال۱۵، شمارهی۲.

جهانگیر، منصور، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشر دوران، چاپ سی و چهارم، ۱۳۸۳.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ ترمینولوژی حقوق، کتابخانهی گنج دانش، تهران، ۱۳۶۸ش.۳۲.

زراعت، عباس؛ شرح قانون مجازات اسلامی، تهران، نشر فیض، ۱۳۷۷.

جلالی، علی اکبر، شهر الکترونیک، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ اول، ۸۲.

الحرّانی، ابو محمد ابن شعبه؛ تحف العقول عن آلالرسول، ترجمهی احمد جنتی، انتشارات علمیهی اسلامیه، اسفند ۱۳۵۴.

حر عاملی، محمدبن حسن، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی، الطبعه ی الرابعه،۱۳۹۱ق.

الحلی، جعفر بن حسن؛ شرایع الاسلام؛ ج ۴، مطبعه نجف، ۱۳۸۹ هـ ق.

خوانساری، جمال الدین محمد، شرح غررالحکم و دررالکلم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

سبحانی، جعفر، المحاضرات فی الالهیات، موسسهی نشر اسلامی، چاپ۱۴۱۴قمری.

شیرازی، سید محمد؛ الفقه، دار العلم، بیروت، ۱۴۰۹ق.

شیخ صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، بیروت، موسسۀی الاعلمی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق، ج ۱.

الخصال، جامعهی مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.

طباطبائی، سید علی، ریاض المسائل، موسسهی نشر اسلامی، چاپ ۱۴۲۲ق.

الطّوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، الامالی، تحقیق قسم الدراسات الاسلامیۀ، مؤسسۀی البعثۀ، چاپ اوّل، قم، دار الثّقافۀ، ۴۱۴هـ . ق

تهذیب الاحکام، دار الاضواء، بیروت، بی‌تا.

المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، المکتبه المرتضوی، ۱۳۸۷.

عالیه ارفعی و دیگران، زیر نظر محمدرضا دبیری، حقوق بشر از دیدگاه مجامع بین‌المللی؛ وزارت امور خارجه، تهران،۱۳۷۲.

فاضل هندی، بهاءالدین محمد بن حسن اصفهانی؛ کشف اللثام، مکتبۀ المرعشی، قم، ۱۴۰۵ق.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، المحجه البیضاء فی التهذیب الاحیاء(راه روشن )،محمد صادق عارف، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۹.

القرطبی، محمد بن رشد؛ بدایه المجتهد و نهایه المقتصد؛ ج ۲، بی‌جا، ۱۴۰۹ هـ ق.

قرآن کریم.

کدخدایی، عباس،شبکه‌های اطلاعاتی جهانی و نقض حقوق بشر با تأکید بر حق حریم خصوصی، سایت ایران و جامعه اطلاعاتی.

کریمی، اسدالله؛ فرهنگ لغات حقوقی فارسی انگلیسی، انتشارات سیمرغ، تهران، بی‌تا.

کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، دار الاضواء، بیروت، ۱۴۰۵ ق، سال اول، تهران، کتابخانهی صدوق، بی‌تا.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی؛ تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، چاپ چهارم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ق.

گلن جانسون، اعلامیهی جهانی حقوق بشر و تاریخچهی آن، ترجمهی محمد جعفر پناهنده، نشرنی، چاپ سوم ۷۸.

لوراستین و نیکیل سینا، «رسانه‌های نوین جهانی و سیاستگذاری ارتباطات، ترجمهی لیدا کاووسی، فصلنامهی رسانه، سال پانزدهم، شمارهی ۲.

مارک روتنبرگ، «حفظ حریم شخصی در جامعه اطلاعاتی»، چالشهای حقوقی اخلاقی و اجتماعی فضای رایانه‌ای، به کوشش بابک دربیگی، چاپ دوم بهمن۸۰، نشر خانهی کتاب.

متین دفتری، احمد، حقوق بشر و حمایت بین‌المللی از آن، تهران (بی نا)۱۳۴۸.

مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار؛ دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم،۱۴۰۳ق.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۵۳ هـ ش.

مهریزی، مهدی،«دولت دینی و حریم خصوصی» بازخوانی فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی.

مجتبوی، جلال الدین، علم اخلاق اسلامی (ترجمه‌کتاب جامع السعادات)، مهدی نراقی، قم، حکمت، ۱۴۰۵ق.

ناصرزاده، هوشنگ، اعلامیه‌های حقوق بشر، چاپ اول، تهران: جهاد دانشگاهی ۱۳۷۲.

النوری، میرزاحسین؛ مستدرک الوسائل، تحقیق و نشر، مؤسسه‌ی آل البیت لاحیاء التراث، الطبعه ی‌الثانیه، چاپ۱۴۰۸هـ ق.

هلن نیس بام، «حمایت از حق خلوت آدمیان در عصر اطلاعات، ترجمهی عباس ایمانی، مجله پژوهش‌ها» (۱) پاییز و زمستان ۸۱.